

## نقد و بررسی ترجمه‌ی آلمانی قرآن رودی پارت

فرح نارنجی<sup>۱</sup>  
محمد حسین حدادی<sup>۲</sup>

### چکیده

تاکنون ترجمه‌های گوناگونی از قرآن انجام شده است که مترجمان آنها هر کدام بر اساس روشی که برگزیده‌اند به این کار اقدام کرده و محصول تلاش خود را در قالبی ویژه ارائه داده‌اند. نقد و بررسی این ترجمه‌ها و کشف نقاط قوت و ضعف آنها به منظور دستیابی به ترجمه‌ای مطلوب همواره لازم و راهگشاست. در این زمینه مقاله‌ی حاضر به نقد و بررسی یکی از شاخص‌ترین ترجمه‌های معاصر قرآن به زبان آلمانی توسط رودی پارت پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که فهم و بررسی مترجم نباید منحصر به مفاهیم لغوی کلمات باشد، بلکه باید اطلاع کاملی از اصطلاحات شرعی داشته باشد. کاستی‌هایی که در ترجمه‌ی پارت به چشم می‌خورد معلول عدم تسلط وی نسبت به اصول اعتقادی اسلام است. این پژوهش همچنین شیوه‌ای جدید در ترجمه‌ی قرآن با عنوان «فهم قرآن با قرآن» و نقش آن در صحت ترجمه را به نمایش می‌گذارد.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، قرآن‌پژوه، سبک ترجمه، انسجام کلام، وجوه و نظایر، روساخت، ژرف‌ساخت.

دوره دوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۹

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی دانشکده زبان ها و ادبیات خارجی  
farah.narendji@yahoo.com

<sup>۲</sup> دکترای زبان و ادبیات آلمانی از دانشگاه هایدلبرگ، استادیار گروه آموزش زبان آلمانی

## مقدمه

از سال ۱۶۱۶ که سالمون شوایگر نخستین ترجمه‌ی قرآن به زبان آلمانی را نگاشت تاکنون ترجمه‌های بسیاری به این زبان منتشر شده‌اند. هر کدام از این ترجمه‌ها نشانگر هدف و روش خاص مترجم قرآن در ترجمه است. برخی از این مترجمان همانند فریدریش مگرلین (۱۷۷۲)، تعصبات و گرایش‌های مذهبی را در ترجمه دخالت داده اند، بعضی همانند فریدریش روکرت (۱۸۸۸)، از شیوه‌ی بلاغت قرآن تقلید کرده‌اند و بعضی دیگر همانند ماکس هنینگ (۱۹۰۱)، تلاش کردند تا پیش از پرداختن به ترجمه، درباره‌ی قرآن و اسلام تحقیق کرده و ترجمه‌ای علمی ارائه دهند. یکی از شناخته‌شده‌ترین ترجمه‌های معاصر قرآن به زبان آلمانی، ترجمه‌ی رودی پارت است که در سال ۱۹۶۶ منتشر و تاکنون بارها در کشورهای مختلف تجدید چاپ شده است. گرچه این ترجمه به نظر برخی قرآن پژوهان از نظر علمی و از لحاظ قرار دادن موازین ترجمه‌ی متون دینی از اعتبار خاصی برخوردار است، بررسی دقیق این ترجمه حاکی از نقاط ضعفی است که مترجم در رفع آنها به دلایل چندی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، نکوشیده است. جستار حاضر با نقد و بررسی هدف و شیوه‌ی ترجمه‌ی پارت، نقاط قوت و ضعف آن را مورد ارزیابی قرار داده و راهکارهایی برای ترجمه‌ی بهینه‌ی قرآن معرفی می‌کند.

## بحث و بررسی

### نقد و ساخت

در این مقاله ترجمه‌ای از رودی پارت مورد بررسی قرار می‌گیرد که از سوی انتشارات انصاریان در قم و در سال ۱۳۷۸ منتشر شده است. این ترجمه‌ی ۴۴۰ صفحه‌ای با عنوان قرآن (Der Koran) شامل بخشهای زیر است:

### دیباچه‌ای در باب قرآن و ترجمه

پارت در این قسمت هدف خود را از ترجمه‌ی قرآن بازآفرینی آن به زبان آلمانی نمی‌داند، بلکه تلاش کرده است متن عربی قرآن را به متنی قابل فهم به زبان آلمانی تبدیل کند. به عقیده‌ی وی این متن باید از حداکثر صحت معنایی برخوردار باشد. (پارت 2000:6) بنابراین نباید از این ترجمه توقع متنی شیوا و شاعرگونه همانند ترجمه‌ی فریدریش روکرت را داشته باشیم.

همچنین در مقدمه ذکر شده است که پارت از تفاسیر اسلامی مانند «طبری» و «زمخشری» برای فهم بهتر آیات قرآن استفاده کرده، اما از ترجمه‌های پیشین قرآن بهره‌ای نبرده است. (همان: 8) یکی از نقاط قوت ترجمه‌ی پارت استفاده از تفاسیر قرآن است، زیرا فهم بعضی از آیات و عبارات قرآنی بسیار غامض و پیچیده است و مترجمی که تنها به دانش و تسلط خود به زبان عربی تکیه می‌کند نمی‌تواند از عهده‌ی ترجمه‌ی صحیح این آیات برآید. اما مطالعه‌ی ترجمه‌های پیشین به منظور پرهیز از اشتباهات آنان و استفاده از نقاط قوت این ترجمه‌ها نیز می‌تواند کیفیت ترجمه‌ی قرآن را بهبود بخشد.

پارت علاوه بر ترجمه‌ی آیات، توضیحاتی را هم به ترجمه اضافه کرده است. این توضیحات همانطور که در مقدمه نیز به آن اشاره شده، در داخل پرانتز آورده شده است. (همان: 7) اما کثرت این افزوده‌های توضیحی در ترجمه‌ی پارت فهم متن را دشوار کرده و انسجام کلام را از بین برده است. پارت برای رفع این مشکل می‌بایستی توضیحات لازم را به گونه‌ای کاملاً متمایز از ترجمه مثلاً در پاورقی می‌گنجاند تا هم به انسجام کلام لطمه‌ای وارد نشود و هم خواننده بتواند به آسانی به آن مراجعه کند. عدم توجه به این نکته یکی از آشکارترین نقاط ضعفی در ترجمه‌ی قرآن کریم است.

پارت شیوه‌ی ترجمه‌ی خود را چنین بیان می‌کند که برای فهم متون قرآن از خود قرآن استفاده کرده است. بدین ترتیب که آیاتی را که در لفظ و معنی مشترک بودند باهم مقایسه و بررسی و با این روش دشواری‌های فهم آیات قرآنرا با استناد به سایر آیات حل کرده است (همان: 8). از این شیوه در قرآن پژوهی با عنوان "فهم قرآن با قرآن" نام برده‌می‌شود و «در تفسیر قرآن به روش علمای امامیه از اصالت و اعتبار بالایی برخوردار است که نمونه‌ی برجسته‌ی آن تفسیر المیزان از علامه طباطبایی است. حال، چنانچه بپذیریم ترجمه-دست کم در مورد قرآن- نوعی تفسیر موجز است، اهمیت این روش برای دستیابی به ترجمه‌ای درست، روشن می‌شود». (منصوری 1379: 65)

### دیباچه‌ای در باب چاپ کتاب

در این بخش پارت درباره‌ی چاپ ترجمه و نیز علائمی که در ترجمه به کار برده، همانند علامت سؤال به نشانه‌ی تردید مترجم و غیره توضیحاتی داده است.

## متن ترجمه قرآن

ترجمه‌ی سوره‌ها از صفحه ی ۱۳ کتاب آغاز و در صفحه ی ۴۴۰ پایان می‌یابد. در این ترجمه آیات همانند متن اصلی قرآن شماره‌گذاری شده‌اند، ولی شماره‌ی هر آیه از اول سطر آغاز نشده، بلکه بدنبال آیه‌ی قبلی آمده است. در این حالت خواننده با متنی درهم روبرو می‌شود و مسلماً نمی‌تواند آیه مورد نظر خود را در یک سوره به آسانی پیدا کند. اما در کنار این نقطه‌ضعف شماره گذاری سوره‌ها از نقاط قوت ترجمه‌ی پارت به شمار می‌رود. به این صورت که شماره ی هر سوره در بالای تمامی صفحات آن نوشته شده است. در این روش، یافتن شماره‌ی یک سوره به سهولت امکان پذیر است.

در ترجمه‌ی پارت نام سوره‌ها به آلمانی برگردان نشده و تنها به آوردن نام عربی آن اکتفا شده است. به عنوان مثال سوره ی دوم قرآن با نام "AL-BAQARA" آورده شده است. آوردن ترجمه‌ی سوره در کنار نام عربی می‌توانست کمک شایانی به ترجمه‌ی پارت کند. در ذکر مکی یا مدنی بودن سوره و تعداد آیات نیز کوتاهی شده است، که برای بهینه کردن ترجمه می‌توانست خیلی خوب باشد:

"Die Kuh (al-Baqara)  
zu Medina, 286 Verse("خوری 62:2007)

اصولاً برای ترجمه‌ی قرآن «لازم است متن ترجمه شده کنار متن عربی قرار بگیرد تا مراجعه کننده در صورت مواجه شدن با اشکال بدان مراجعه کند و این توهم پیش نیاید که ترجمه می‌تواند جای قرآن را بگیرد، (معرفت 1383: 200). در ترجمه‌ی رودی پارت متن عربی قرآن بعد از ترجمه‌ی سوره‌ها و در انتهای کتاب آن هم به صورت فشرده و ناخوانا آمده است.

## فهرست سوره‌ها

بعد از ترجمه، جدول فهرست سوره‌ها آورده شده است. این جدول شامل شماره‌ی سوره، نام سوره و شماره یصفحه‌است. نام سوره‌ها در این فهرست نیز ترجمه نشده‌اند. فهرست بندی سوره به شیوه ی ذیل یکی از روش‌های مناسب برای ترجمه‌ی قرآن است که در ترجمه‌ی پارت به آن توجه‌ای نشده است:

Nr	Sure	Seite	Mk/Md	Anzahl der Verse	Inhalt der Sure
1	Al-Fatiha (die Eröffnende)	1	Mk	7	Sie umfasst in Kurzfassung die wichtigsten Grundlagen des islamischen Glaubens: Monotheismus, Prophetentum und Rückkehr zu Gott

این جدول شامل شماره ی سوره، نام سوره و ترجمه ی آن، شماره ی صفحه، مکی یا مدنی بودن سوره، تعداد آیات و خلاصه ای از محتوای سوره است. در این نمونه مشخصات سوره ی «فاتحه» آورده شده است. با این روش خواننده می تواند تنها با نگاهی به فهرست سوره ها، دیدی کلی نسبت به تمامی سوره های قرآن و محتوای آنان داشته باشد.

### متن عربی آیات

در انتهای ترجمه ی قرآن کریم توسط پارت، متن اصلی قرآن با خطی ریز و به صورت فشرده و ناخوانا آورده شده است.

### نقد ژرف ساخت

در این قسمت شیوه ی ترجمه ی پارت «فهم قرآن با قرآن» مورد بررسی قرار می گیرد. همانطور که قبلاً به آن اشاره شد در این روش پارت تمامی آیات مشابه و قریب المضمون را بررسی و آنها را مقایسه کرده و آن گاه دست به ترجمه زده است. اینک بعضی از ترکیبات مشابه ی قرآن را در ترجمه ی پارت مورد بررسی قرار می گیرند:

مثلاً ترکیب «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» که در سوره های مختلف همانند بقره (۲۰)، (۱۰۶)، (۱۰۹)، (۱۴۸) و (۲۵۹)، نحل (۷۷)، نور (۴۵)، عنکبوت (۲۰) و فاطر (۱) تکرار شده، همگی به صورت یکدست ترجمه شده است:

**"Gott hat zu allem die Macht"**

پارت همچنین ترکیب «له ملک السموات و الارض» را که در سوره‌های بقره(۱۰۷)، آل عمران(۱۸۹)، المائده (۴۰) و(۱۲۰)، الاعراف (۱۵۸)، توبه(۱۱۶)، فرقان(۲)، الزمر(۴۴)، الزخرف(۸۵)، الحديد(۲) و (۵) و البروج(۹) آمده است، به صورت یکسان ترجمه کرده است:

### "Gott hat die Herrschaft über Himmel und Erde"

«از جمله مسائلی که تحت عنوان روش ترجمه مطرح می‌شود، همسانی تعبیرات در ترجمه‌ی جملات مشابه قرآنی است. جملات مشابه که در سراسر قرآن به طور مکرر آمده است، باید یکسان ترجمه شوند. این حکم در مورد مفردات نیز جاری است، مگر آن که دلیلی از سیاق آیه و مانند آن بر اراده معنای دیگری از واژه وجود داشته باشد، که در این صورت باید واژه را به معنای مناسب مورد خودش ترجمه کرد.» (انصاری 17:1377) رعایت این نکته در ترجمه پارت از نقاط قوت ترجمه‌ی وی محسوب می‌شود.

از امتیازات دیگر ترجمه خوب قرآنی، ترجمه دقیق واژه‌هاست. «در ترجمه واژه‌های قرآنی ریشه‌یابی کلمات و دستیابی به نزدیک‌ترین معنی بسیار حائز اهمیت است.» (همان: 20) برای دستیابی به چگونگی دیدگاه پارت آن دسته از الفاظ قرآنی را که در موارد مختلف، معانی متفاوتی دارند در ترجمه‌ی وی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. «قضا:» «این واژه و مشتقات آن در قرآن معانی مختلفی دارد. گاهی به معنای حکم کردن، گاهی به معنای آفریدن، گاهی بمعنای انجام دادن و گاهی به معنای کُشتن است.» (جعفری 18:1377) اینک آیات مختلفی را که حاوی این معانی هستند با ترجمه‌ی پارت مقایسه می‌کنیم:

«والله یقضی بالحق» (مؤمن/۲۰)

«و خدا به حق حکم می‌کند»

پارت این آیه را به این صورت ترجمه کرده است:

"Und Gott entscheidet (dereinst?) auf Grund der Wahrheit"

در این ترجمه به جای واژه‌ی «یقضی» معادل آلمانی "entscheiden" به معنای «حکم کردن» به کار رفته است که کاملاً صحیح است.

«فَقَضِیْهِنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِی یَوْمَیْنِ» (فصلت/۱۲)

«پس آنها را (به صورت) هفت آسمان در دو روز آفرید»

ترجمه‌ی پارت از این آیه:

"Und er bestimmte, dass es sieben Himmel sein sollten, (und er erschuf diese Himmel) in zwei (weiteren) Tagen"

پارت به جای واژه‌ی «قضیهن» معادل "erschafen" یعنی «آفریدن» را به کار برده است که صحیح است.

«فاذا قضیتم مناسککم» (بقره/۲۰۰)

« و چون مناسک خود را انجام دادید»

در ترجمه‌ی این واژه‌پارت معادل درستی را انتخاب کرده است:

**"Und wenn ihr eure Riten vollzogen habt"**

"vollziehen" به معنای «انجام دادن» است.

«فوکزه موسی فقضی علیه» (قصص/۱۵)

«پس موسی مشت‌ی بدو زد و او را کشت»

ترجمه‌ی پارت از این آیه عبارت است از:

**"Da versetzte ihm Mose einen Schlag und machte ihm (damit) den Garaus."**

«پس ضربتی بدو زد و او را (بدان سبب) کشت»

همانطور که می‌بینیم پارت معادل "jmdm. den Garaus machen" را به

جای «قضی» بکار برده است که به معنای "töten" یعنی «کشتن» است. در ضمنواژه‌ی «وکزه» از ماده «وکز» (بر وزن رمز) به معنی مشت کوبیدن است» (مکارم شیرازی 1374: 42). پارت در این ترجمه معادل ("jmdn einen Schlag versetzen" پس ضربتی بدو زد) را به جای واژه‌ی «فوکزه» بکار برده است که کامل و دقیق نیست. برای ترجمه‌ی مطلوب قرآن « باید با دقت تمام محتوای هر آیه با دلالت‌های لفظی آن، چه اصلی و چه تبعی، مورد عنایت قرار گیرد» (معرفت 1383: 199):

"Dann schlug ihn Musa mit der Faust und brachte ihn so um" (387: 2002) (بوینهایم)

«پس موسی مشت‌ی بدو زد و او را کشت»

"قرآن":

«این واژه در بیشتر موارد به معنای قرآن همین کتاب آسمانی اسلام است ولی گاهی به معنای نماز می‌آید.» (جعفری 1377: 18) مانند:

"و قرآن الفجر" (بنی اسرائیل/۷۸)

« و نماز بامداد»

ترجمه‌ی پارت از این آیه:

**"Und die Rezitation des frühen Morgens"**

« و مراسم عبادی بامداد»

پارت‌واژه‌ی «نماز» را "Rezitation" به معنای «مراسم عبادی» برگردان کرده‌است که صحیح نیست و به جای آن بهتر است واژه‌ی "Gebet" نوشته شود که معادل «نماز» است و نوع مراسم عبادی را مشخص می‌کند:

"und (verrichte) das Frühmorgengebet" (290: 2003) احمد رسول

« و نماز بامداد (را بپا دار) »

«قدر»:

«این واژه نیز در قرآن استعمال‌های گوناگونی دارد. گاهی به معنای تنگ گرفتن است، گاهی به معنای اندازه، گاهی به معنای ارج نهادن و گاهی به معنای خاص است.» (جعفری 1377: 18)

«و من قدر علیه رزقه» (طلاق/۷)

«و کسی که روزی بر او تنگ شده است»

ترجمه‌ای که پارت ارائه داده است، این گونه است:

"Wer dagegen in seinem Lebensunterhalt beschränkt ist"

«و کسی که برعکس روزی بر او تنگ شده»

معادل به کار رفته توسط پارت همان معنای اصلی را می‌رساند.

«و علی الموسع قدره و علی المقتر قدره» (بقره/۲۳۶)

«و بر ثروتمند به اندازه‌ی خودش و بر تنگدست به اندازه‌ی خودش»

ترجمه‌ی پارت:

"der Reiche, wie es seinen Verhältnissen, und der Arme, wie es den seinen entspricht!"

«ثروتمند به اندازه‌ی وسعش و فقیر متناسب با وسعش»

این بار نیز پارت معادل درستی به کار برده است.

«و ما قدر والله حق قدره» (انعام/۹۱)

«و خدا را چنان که شایسته است ارج گذاشتند»

ترجمه‌ی پارت به این ترتیب است:

"Und sie (d.h. die Ungläubigen?) haben Gott nicht richtig eingeschätzt"



و آن‌ها (شاید منظور کفار باشد؟) قضاوت درستی درباره‌ی خدا نداشتند. این ترجمه کامل نیست و معنای کلام را به طور کامل افاده نمی‌کند. ترجمه‌ی کامل‌تر با توجه به معنای اصلی به این صورت است:

"Sie schätzen Allah nicht ein, wie es Ihm gebührt" (139:2002) (بوینهایم)

«و خدا را چنان که شایسته‌ی اوست نشناختند (ارج نگذاشتند)»

### «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (قدر/۱)

«شب قدر»

ترجمه‌ای که پارت برای این آیه در نظر گرفته است، به قرار زیر است:

"Wir haben ihn (d.h. den Koran) in der Nacht der Bestimmung hinabgesandt"

«و ما آن را (قرآن را) در شبی خاص فرو فرستادیم»

در این ترجمه هم پارت معادل درستی بجای واژه‌ی «قدر» به کار برده است. همانطور که مشاهده شد پارت هر کجا که معنا جامع بوده همان را در همه جا ذکر کرده است و اگر وجه جامعی وجود نداشت در هر موردی معنای خاص آن را آورده است. این بدان معناست که پارت با «علم وجوه و نظایر»<sup>۱</sup> در آیات قرآن آشنایی داشته است. «برای کسی که قرآن را به زبان‌های دیگر ترجمه می‌کند آشنایی با این وجوه و نظایر از ضرورت‌های اولیه است.» (جعفری 1377: 19)

برای بررسی بیشتر ترجمه‌ی پارت اینک تسلط وی به اصول اعتقادی اسلام به عنوان یک مترجم غیر مسلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در همین راستا به چند نمونه از آیات قرآن اشاره می‌شود:

**حکم روزه:**

«وکلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابيض من الخیط الاسود من الفجر» (بقره/۱۸۷)

«و بخورید و بیاشامید تا رشته‌ی سپید بامداد از رشته‌ی سیاه (شب) بر شما نمودار شود»

اکنون ترجمه‌ی پارت را از این آیه بررسی می‌کنیم:

---

<sup>۱</sup> اشمال قرآن بر الفاظی که معانی گوناگونی دارند باعث پیدایش علمی به نام «علم وجوه و نظایر» شد که بعدها یکی از شاخه‌های علوم قرآنی به شمار آمد. موضوع این علم شناخت کلماتی است که در موارد مختلف معانی متفاوتی دارند، و منظور از وجوه، معانی گوناگون یک لفظ بر حسب موارد استعمال آن است و منظور از نظایر، همین الفاظ است که با وجود اختلاف معانی، شبیه هم هستند. بنابراین، وجوه مربوط به معانی و نظایر مربوط به الفاظ است. (جعفری 1377: 19)

"Und eßt und trinkt, bis ihr in der Morgendämmerung einen weißen von einem schwarzen Faden unterscheiden könnt!"

«و بخورید و بیاشامید تا وقتی که در طلوع فجر بتوانید رشته ی سفید را از رشته ی سیاه تمیز دهید»

از این ترجمه مشخص می‌شود که پارت معنای آیه و حکم روزه را به خوبی متوجه نشده، از همین رو ترجمه‌ای نامفهوم ارائه داده است. این نکته نشان می‌دهد که فهم و بررسی مترجم قرآن نباید منحصر به مفاهیم لغوی باشد، بلکه باید اطلاع کاملی از اصطلاحات شرعی داشته باشد. در این رابطه نباید تنها به تفاسیر قرآن بسنده کرد، بلکه باید از دانشمندان علوم قرآنی و نیز از ترجمه‌های پیشین قرآن کمک گرفت.

ترجمه‌ی صحیح‌تر از این آیه به زبان آلمانی به این صورت است:

«Und esst und trinkt, bis für euch der weiße Faden (der Dämmerung) vom schwarzen Faden (der Nacht) unterscheidbar wird.» (زیدان 2000: 42)

«و بخورید و بیاشامید تا رشته ی سپید (بامداد) از رشته ی سیاه (شب) متمایز شود.»  
برای آن که خواننده بتواند معنای آیه را بهتر درک کند، شایسته است که علاوه بر ترجمه‌ای رسا توضیحات لازم نیز در پاورقی الحاق شود:

«مراد از این جمله، تحدید اولین وقت طلوع فجر صادق است، برای این که بعد از آن که شعاع نور روز بالا می‌آید، هر دو خط از بین می‌رود، دیگر نه خط سفیدی می ماند و نه خطی سیاه.» (طباطبایی 1377: 69).

**حکم تیمم:**

«فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً فامسحوا بوجوهكم و أيدكم» (نساء/ ۴۳)

«پس بر خاکی پاک تیمم کنید، و صورت و دستهایتان را مسح نمایید»

ترجمه‌ی پارت از این آیه:

"dann sucht einen sauberen (oder: geeigneten, w. guten) hochgelegenen Platz auf und streicht euch über das Gesicht und die Hände"

«پس مکان پاکیزه‌ی (یا مناسب، تحت الفظی: خوب) بلندی را بیابید و بر روی صورت و دست هایتان بکشید»

«در این آیه معنی «صعید» خاک است. می‌گویند آهنگ خاک پاک کنید، خاکی

خشک، آزاد از آمیغ و طیب آن است که نه پلید باشد نه آمیخته با چیزی.» (میبیدی 1371: 520)

البته بعضی «صعید» را سطح زمین نیز می‌نامند اعم از این که خاک باشد یا سنگی که خاک

بر روی آن نیست. (ر.ک. طبرسی 1377: 602) در ترجمه‌ی پارت به جای واژه‌ی «صعید» معادل «مکان بلند» به کار رفته که صحیح نیست. در ضمن «حرف «باء» در آیه‌ی «فامسحوا بوجوهکم» دلیل آن است که مسح تمام صورت لازم نیست و گرنه می فرمود: «فامسحوا بوجوهکم» چنانچه در وضو فرموده است: «فاغسلوا وجوهکم» و آن مقدار که باید مسح شود در اخبار و فتاوی معین شده است: از رستگاه موی سر تا زیر ابرو و «ایدیکم» عطف بر «وجوهکم» است یعنی از بند دست تا سر انگشتان.» (طیب 1378: 90) همانطور که می بینیم ترجمه‌ی پارت مفهوم کلام را نمی‌رساند. با توجه به نکات گفته شده، به نظر می‌رسد ترجمه‌ی صحیح‌تر به زبان آلمانی به این صورت باشد:

"dann sucht einen sauberen Boden und streicht euch über das Gesicht (von Haaren, die an der Stirn gewachsen sind, bis zur Nase) und die Hände (von den Handgelenken bis zu den Fingern)"

«پس خاکی پاکیزه بیابید و صورت (از تارک سر تا سر بینی) و دستها (از بند دست تا سر انگشتان) را مسح کنید»

ترجمه‌ی پیشنهادی، حاصل مطالعه‌ی چند ترجمه‌ی قرآن از ماکس هنینگ، ابن رسول، امیر ادیب زیدان و عادل تئودر خوری است، این نکته بیانگر آن است که مطالعه‌ی ترجمه‌های پیشین و استفاده از نقاط قوت این ترجمه‌ها می‌تواند در ارائه‌ی ترجمه‌ی صحیح‌تر راهگشا باشد. کاری که پارت بر طبق گفته خودش از آن پرهیز کرده است. البته هیچ وقت نمی‌توان ادعا کرد که ترجمه‌ای کامل و عاری از نقص است. اما آنچه مسلم است این که «مترجم قرآن نباید در فهم شخصی خود تکبر کند و به رأی خود مغرور باشد بلکه باید در مواردی که اطمینان خاطر ندارد، به اهل دانش مراجعه کند، و هر کجا چیزی را نفهمید، از استفاده از علمای معاصر و تصحیح اشتباهات خود، خودداری نکند.» (غزالی 1380: 111).

اینک مروری داریم بر نقاط قوت و ضعف کلی ترجمه‌ی پارت:

### نقاط قوت

- در مقدمه، هدف از ترجمه، روش ترجمه و منابع مورد استفاده به وضوح بیان شده است.
- در بالای هر صفحه‌ی ترجمه شماره‌ی سوره ذکر شده به طوری که یافتن سوره‌ی مورد نظر به راحتی میسر است.
- مترجم در ترجمه، روشی علمی به نام «فهم قرآن با قرآن» را به کار برده که صحت آن در ترجمه به اثبات رسیده است.

- در ترجمه‌ی واژگانها کجا که معنا جامع بوده، مترجم همان را در همه جا ذکر کرده است و اگر وجه جامعی وجود نداشت در هر موردی معنای خاص آن را آورده است.

- معنای واژگان به طور دقیق ریشه یابی و ترجمه شده‌اند.

- ترکیبات نحوی آیات در ترجمه به خوبی رعایت شده است.

- پارت تلاش کرده است تا تنها ترجمه‌ای علمی و به دور از دخالت عقاید مذهبی و یا احیاناً خصمانه بر علیه اسلام ارائه دهد. وی سعی کرده است با روشی علمی متنی را در اختیار خواننده قرار دهد که برخوردار از حداکثر صحت معنایی باشد

### نقاط ضعف

- با اینکه تمامی آیات به درستی شماره گذاری شده‌اند، ولی شماره‌ی هر آیه از اول سطر آغاز نشده، بلکه به دنبال آیه‌ی قبلی آمده است. در این روش خواننده نمی‌تواند شماره‌ی آیه‌ی مورد نظر خود را به راحتی پیدا کند.

- سبک ترجمه خشک و فاقد روانی و زیبایی کلام است. همچنین کثرت افزوده‌های توضیحی انسجام کلام را از بین برده است. خواننده با متنی روبرو می‌شود که پر از توضیحات مترجم و یا ترجمه‌هایی است که با شک و تردید مترجم و علامت سؤال همراه است. این توضیحات که در داخل پرانتز آمده سبب سردرگمی خواننده می‌شود. بهتر بود که این گونه توضیحات جدا از ترجمه و در پاورقی می‌آمد.

- ترجمه‌ی قرآن در کنار متن عربی قرآن نیامده است.

- پارت از ترجمه‌های پیشین قرآن بهره‌ای نبرده است.

- نام سوره‌ها به آلمانی ترجمه نشده است. در این ترجمه مکی یا مدنی بودن سوره و نیز تعداد آیات آن نیز نامشخص است.

- مترجم اطلاع کاملی از اصطلاحات شرعی نداشته و آیاتی که حاوی احکام شرعی بوده به درستی ترجمه نشده است.

- مترجم برای فهم آیات قرآنی به تسلط خویش به زبان عربی و نیز چند تفسیر قرآن بسنده کرده و در مواردی که در فهم آیات دچار اشکال شده از دانشمندان علوم قرآنی کمک نگرفته است.

- در برگردان اثری زیبا خواننده انتظار ترجمه‌ای شیوا و بلیغ را دارد که لااقل تا حدی نمایانگر زیبایی کلام باشد نه متنی خشک و بی روح و کسل کننده.

## نتیجه

در این بررسی متوجه تأثیر عواملی بر کیفیت ترجمه می‌شویم. یکی از این عوامل، مقدمه‌ی ترجمه است که باید در آن هدف مترجم از ترجمه و روش ترجمه به وضوح مشخص شده باشد. در ترجمه‌ی پارت این نکته رعایت شده است. دیگر آن که مترجم قرآن باید علاوه بر تسلط به زبان مبدأ و مقصد و استفاده از تفاسیر معتبر اسلامی از فقها و دانشمندان علوم قرآنی و نیز ترجمه‌های پیشین قرآن به منظور پرهیز از اشتباهات آنان و نیز بهره‌گیری از نقاط قوت این ترجمه‌ها کمک بگیرد. کاستی‌هایی که در ترجمه‌ی پارت به چشم می‌خورد معلول این علت است. در ضمن ترجمه باید از روانی و انسجام کلام برخوردار باشد و برای پرهیز از سردرگمی خواننده، باید توضیحات اضافه به پاورقی موکول شود. در ترجمه‌ی پارت توضیحات اضافی داخل متن، باعث سردرگمی خواننده شده و فهم کلام را دشوار کرده است. این بررسی همچنین نشان داد که شیوه‌ی جدیدی ترجمه‌ی قرآنی نام «فهم قرآن با قرآن» در صحت معنایی ترجمه نقش مهمی را ایفا می‌کند.

## منابع

- Ahmad Rasoul, M. ۲۰۰۲. *Der Heilige Quran*. Ghom: Ansarian Publications.
- Ansari, M. ۱۳۷۷. *Naghd va Barresiye Tarjomeye Shah Valiolah Dehlavi*. (A Review and Criticism of the Translation of Shah Valiolah Dehlavi). Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Bubenheim, F. & Elyas, Nadeem. 2002. *Der edle Quran*. Medina: König –Fahad Verlag.
- Jafari, Y. ۱۳۷۷. *Zarurat shenakht vojuh va Nazayer dar tarjomeye Qorane karim*. (The Necessity to Consider polysemy and Synonymy in Translating the Quran). Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Khoury, A. T. 2007. *Der Koran*. München: Gütersloher Verlagshaus.
- Maibodi, R. ۱۳۷۶. *Kashfol asrar wa odatol abrar*. (Kashfol asrar wa odatol Abrar) 2 Band. Tehran: Amirakbar Publications.
- Makarem Shirazi, Nasser. ۱۳۷4. *Tafsire Nemune*. (Interpretation of Nemuneh) 16 Band. Tehran: Darolkotob Al-isslamie Publication.
- Mansuri, M. ۱۳۷۹. *Ta'moli bar noqat qowat wa za'fe tarjomeye Rudi Paret*. (Reflections on Certain Strengths and Weaknesses of R. Paret's Translation). Ghom: Ansarian Publications.
- Marefat, M. H. ۱۳۸۲. *Tarikhe Qoran*. (History of the Holy Quran). Tehran: SAMT.
- Mussavi Hamedani, M. B. ۱۳۷۴. *Tarjomeye Tafsire al-Mizan*. (Translation of al-Mizans Interpretation) 2 Band. Trans. M. H. Tabatabai. Ghom: Hoze Elmi-e Publication.
- Paret, R. ۲۰۰۰. *Der Koran*. Ghom: Ansarian Publications.
- Qazali, M. ۱۳۸۰. *Tarjomeye Tafsirghoneye Ashraf Ali Thanavi va arzyabi elmi an*. (A Review of the Explanatory Translation of Ashraf Ali Thanavi). Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Tabarssi, F. ibn. H. ۱۳۷۷. *Tafsire javame ol-jame*. (Interpretation of Javame ol-Jame) .1 Band. Trans. A. Amiri Shahriri. Mashhad: Astan Ghods Razawi Publications.
- Tayeb, H. H. 1378. *Al-Tayeb el-bayan fi tafsire al-Quran*. (Al- Tayeb al-bayan fi tafsir-e al-Quran). Tehran: Intesharat-e Islam Publications.
- Zaidan, A. M. A. 2000. *At-tafsir-Eine philologisch, islamologisch fundierte Erläuterung des Quran-Textes*. Offenbach: Adib Verlag.